

درس بیست و چهارم

جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

سی و یکم شهریور ۱۳۵۹، در حالی که مردم ایران به زندگی عادی خود مشغول بودند، یکباره هواپیماهای نظامی عراق در آسمان چند شهر ایران از جمله تهران ظاهر شدند و به بمباران مناطقی از آن‌ها پرداختند. بدین ترتیب جنگ عراق علیه ایران به‌طور رسمی شروع شد. طولی نکشید که نیروهای زمینی عراق نیز مرزهای غربی و جنوبی ایران را مورد حمله‌ی همه‌جانبه قرار دادند. این در حالی بود که مردم و مسئولان ایران، به دلیل اشتغالات داخلی پس از انقلاب، برای مواجهه با لشکرکشی عراق، از آمادگی کافی برخوردار نبودند. با این حال، امام خمینی با صدور اعلامیه‌ای شجاعانه، تکلیف همگان را در برابر تجاوز دشمنان روشن ساختند. اکنون می‌خواهیم بدانیم، چرا عراق دست به تجاوز علیه ایران زده، و جنگ چه روندی را طی کرد و سرانجام چگونه پایان یافت.

سابقه‌ی دشمنی دولت‌مردان عراق با ایران، به سال‌ها قبل از انقلاب بازمی‌گردد. در دوران صفویان، دولت عثمانی به قصد کشورگشایی، ایران را آماج حمله‌های خود قرار داد. صفویان برای حفظ تمامیت ارضی ایران تا حد زیادی کوشیدند و مانع تجاوز دولت عثمانی به خاک ایران شدند.

پس از جنگ جهانی اول، امپراتوری عثمانی تجزیه شد و در سال ۱۲۹۸ش، از ترکیب سه استان بغداد، موصل و بصره، کشوری به نام «عراق» تأسیس شد که زیر سلطه‌ی مستقیم انگلستان قرار گرفت. سردمداران عراق نیز مثل پیشینیان خود، همواره نسبت به بخش‌های غربی ایران ادعاهای واهی داشتند. تا آن‌جا که در سال ۱۳۳۸ش عبدالکریم قاسم، رئیس‌جمهور عراق، ادعا کرد خرمشهر قسمتی از خاک عراق است. حتی پس از آن، ارتش عراق در قسمت‌های مرزی، به تجاوز به خاک ایران دست زد. در پی آن، موضوع در سازمان ملل مطرح شد و در نهایت با وساطت رئیس‌جمهور وقت الجزایر، «عهدنامه‌ی الجزایر»^۱ در سال ۱۳۵۳ش بین ایران و عراق به امضا رسید.

۱- براساس قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، مرزهای زمینی مطابق قرارداد ۱۹۱۳ قسطنطنیه (استانبول) تأیید و مرز آبی در اروندرود براساس خط القعر یا نالوگ مشخص شد.

بیش‌تر بدانید

خلیج فارس نامی به درازای تاریخ ایران

نام خلیج فارس یکی از کهن‌ترین نام‌های جغرافیایی گیتی است که چندین هزار سال پیش توسط اقوام آریایی ساکن ایران به پهنه‌ی آبی نیلگون جنوب فلات ایران داده شد. خلیج فارس در طول تاریخ همواره در حوزه‌ی جغرافیای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران قرار داشته است. علاوه بر مورخان و جغرافی‌دانان یونانی و رومی، نویسندگان عرب کتاب‌های تاریخی و جغرافیایی نیز همواره عنوان خلیج فارس را به کار برده‌اند. تا اواسط قرن بیستم هیچ‌گونه بحث و جدلی درباره‌ی نام خلیج فارس وجود نداشت و در تمام منابع اروپایی، آسیایی و آمریکایی، دانشنامه‌ها و نقشه‌های جغرافیایی عنوان خلیج فارس درج شده است. نخستین بار نمایندگان سیاسی دولت انگلستان در شیخ نشین‌های تحت قیمومت خود در خلیج فارس از عنوان جعلی خلیج ع-ر-ب-ی استفاده کردند. آن‌ها با فریب‌کاری و براساس مطامع استعماری خود این نام جعلی را به اعراب آموختند. یکی از اهداف صدام حسین از تحمیل جنگ بر ایران، محدود کردن نفوذ سیاسی و اقتصادی ایران و توسعه روابط بین‌الملل با کشورهای این منطقه بود.^۱

با وقوع انقلاب اسلامی در ایران و تضعیف ارتش و نیروهای مسلح و بروز بحران‌های داخلی، رژیم عراق تصور کرد که زمینه‌ی خوبی برای تجاوز به میهن ما فراهم شده است و به دلیل وقوع انقلاب، کشور آمادگی رویارویی با جنگ خارجی را ندارد. همانند تمام انقلاب‌های جهان، شرایط ویژه‌ی پس از انقلاب، حکومت اسلامی را با مسائل و مشکلات زیادی مواجه ساخته بود. به همین دلیل دولت مردان عراقی گمان می‌کردند با حمله‌ی همه‌جانبه به ایران می‌توانند، در کمترین زمان ممکن، به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خود برسند. آن‌ها در حمله علیه ایران، از حمایت مادی و معنوی برخی کشورهای عربی و نیز قدرت‌های بزرگ نظیر آمریکا، فرانسه، انگلیس و شوروی سابق برخوردار بودند. در تمام طول سال‌های جنگ نیز میزان حمایت‌هایی که از عراق می‌شد، رو به افزایش گذاشت؛ چنان‌که صدام حسین از پیشرفته‌ترین سلاح‌های جنگی روز دنیا، حتی سلاح‌های ممنوعه‌ی شیمیایی نیز برخوردار شد و همه‌ی آن‌ها را علیه ملت ایران به کار برد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا قدرت‌های بزرگ و برخی از کشورهای منطقه، در جنگ عراق علیه ایران، به شدت از رژیم متجاوز عراق حمایت می‌کردند؟

۱- ن. ک: غفاریان، خلیج فارس، ص ۹۵ به بعد.

بنابراین رژیم متجاوز عراق با پشتگرمی و حمایت کشورهای دیگر، به تهاجمی همه‌جانبه علیه ایران دست زد. از آن‌جا که ایران هنوز آمادگی کافی برای مواجهه با جنگی بزرگ را نداشت، نیروهای زمینی عراق موفق شدند به سرعت از مرزها بگذرند و با کشتار مردم بی‌گناه و اسارت آن‌ها، بخش‌هایی از مناطق غربی و جنوبی کشور را اشغال کنند. ارتش عراق قسمت‌هایی از استان‌های کرمانشاه، ایلام، کردستان و خوزستان را به تصرف خود درآورد؛ خرمشهر به اشغال آن‌ها درآمد و شهر آبادان نیز محاصره شد. صدام حسین به علت نداشتن درک صحیح از میهن دوستی ایرانیان و علاقه‌ی مردم به انقلاب و کشور، اعلام کرده بود که طی شش روز جمهوری اسلامی را نابود خواهد کرد!



ایرانیان بسیج می‌شوند

در چنین اوضاعی، امام خمینی با اعتماد به نفسی که از ایمان و شجاعت او ناشی بود، از مردم خواست تا در برابر دشمن متجاوز ایستادگی کنند و فرمان داد مردم به‌خصوص جوانان، آماده‌ی رویارویی



با دشمن شوند. به فاصله‌ای کوتاه و به شکلی خودجوش، پیر و جوان به مراکز سپاه پاسداران روی آوردند و داوطلبانه به جبهه‌های جنگ اعزام شدند. مساجد نیز به مراکز مهم جمع‌آوری لوازم و کمک‌های مردمی تبدیل شدند. زنان شیردل ایرانی نیز از هیچ کوششی برای

کمک به دفاع ملی دریغ نورزیدند. پس از چند هفته، دشمن متجاوز دریافت که خیال تصرف ایران، خام و ناپخته بوده است. پیروزی‌های بی‌دری ایران در جبهه‌های جنگ، به تقویت وحدت ملی در کشور انجامید. با همت غیور مردان ایران، آبادان از محاصره خارج و خرمشهر آزاد شد. دیری نگذشت که دشمن متجاوز در بقیه‌ی نقاط مرزی نیز تن به شکست‌های بزرگی داد. با شکست‌های بی‌دری عراق در صحنه‌های جنگ، برخی دولت‌های عربی و غربی، به میزان کمک‌های آشکار و پنهان خود به عراق، افزودند.



ورودی شهر خرمشهر در زمان جنگ تحمیلی

برگی از تاریخ

شهید دکتر مصطفی چمران

(۱۳۱۱-۱۳۶۰ ش)



شهید چمران در سال ۱۳۱۱ در تهران به دنیا آمد و پس از طی دوران متوسطه و تحصیلات دانشگاهی در رشته‌ی الکترومکانیک دانشکده‌ی فنی دانشگاه تهران، در سال ۱۳۳۷ برای ادامه‌ی تحصیل به آمریکا اعزام و از دانشگاه برکلی موفق به دریافت دکترا در رشته‌ی الکترومکانیک و فیزیک پلاسما شد. چمران که در دوران تحصیل در آمریکا، وارد مبارزات سیاسی علیه حکومت پهلوی شده بود، پس از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ به مصر رفت و دوره‌ی جنگ‌های چریکی را آموزش دید. سپس در لبنان، در کنار

۱- در دفاع مقدس هموطنان ما از اقلیت‌های دینی نیز مشارکت داشتند و شهیدانی تقدیم این مرز و بوم کردند.

امام موسی صدر، به تقویت شیعیان جنوب لبنان در مقابل رژیم اشغال‌گر قدس پرداخت. وی در سال ۱۳۵۷ به ایران بازگشت و اولین گروه از پاسداران انقلاب را آموزش داد. پس از آن نیز مدتی پست وزارت دفاع را برعهده گرفت. با آغاز جنگ تحمیلی، ستاد جنگ‌های نامنظم را تشکیل داد و فعالانه در جبهه‌های جنگ شرکت کرد. سرانجام در سی و یکم خرداد ۱۳۶۰ در منطقه‌ی دهلاویه به شهادت رسید.

صدام و حامیانش در جست‌وجوی چاره

در حالی که نیروهای ایرانی، بی‌دربی عراقی‌ها را عقب می‌راندند، صدام حسین ندای صلح‌خواهی و مظلوم‌نمایی سر داد. او اعلام کرد که آماده‌ی صلح با ایران است. سازمان ملل متحد نیز که باید از همان آغاز حمله‌ی صدام، اقدام او را محکوم می‌کرد، اما تحت نفوذ قدرت‌های بزرگ شرق و غرب، از این کار ظفره می‌رفت، اکنون با او هم صدا شده بود و طرفین را به آتش‌بس – و نه عقب‌نشینی عراقی‌ها به مرزها – دعوت می‌کرد. دولت‌مردان ایران نمی‌توانستند چنین پیشنهادی را بپذیرند، زیرا هنوز بخش‌های زیادی از خاک ایران در تصرف متجاوزان عراقی بود و قبول آتش‌بس موجب تثبیت حضور آنان در خاک ایران می‌شد. به‌علاوه، آنان می‌دانستند که صدام درصدد است طی آتش‌بس، فرصتی به دست آورد تا به تجدید قوا و بازسازی نیروهای خود بپردازد. از طرف دیگر، صدام طی حمله به ایران، هزاران نفر از ایرانیان را قتل‌عام و خانواده‌های زیادی را داغ‌دار کرده بود. پس باید به عنوان آغازگر جنگ، محکوم و تنبیه می‌شد. در غیر این صورت ممکن بود، با تحریک سلطه‌جویان غربی نظیر آمریکا که به خاطر انقلاب، منافع نامشروع خویش را در ایران از دست داده بودند، از مرز دیگری ایران را مورد تجاوز قرار دهند. در آن صورت ممکن بود، مانند سال‌های جنگ‌های اول و دوم جهانی که به بهانه‌ی هجوم نیروهای انگلیسی از جنوب، روس‌ها هم از شمال حمله می‌کردند، شوروی‌ها هم به بهانه‌ی حفظ امنیت مرزهای جنوبی خود، شمال ایران را تصرف کنند. براساس بعضی گزارش‌ها، پس از حمله‌ی عراق به ایران، یکی از اعضای کمیته‌ی مرکزی حزب کمونیست شوروی پیشنهاد کرده بود که شوروی نیز آذربایجان و کردستان ایران را تصرف کند.

حمله‌ی موشکی عراق به شهرهای ایران

هنگامی که صدام با مقاومت مردم ایران مواجه شد و پیروزی‌های ایران در جبهه‌های جنگ، روزبه‌روز او را نگران‌تر ساخت، به جنایت‌های تازه‌ای دست زد. او شهرهای بی‌دفاع را مورد هجوم قرار داد. حمله‌ی موشکی به شهرها با هدف شکستن روحیه‌ی مقاومت مردم ایران آغاز شد. برخورد

نخستین موشک عراق به تهران در ۹ اسفند ۱۳۶۶ به منزله‌ی آغاز مرحله‌ی جدیدی از حملات عراق به مردم بی‌دفاع و اماکن غیرنظامی ایران بود. شهر دزفول بیش از ۲۰۰ بار مورد اصابت موشک‌های غول‌پیکر قرار گرفت. علاوه بر این، دزفول بیش از ۵۰۰۰ بار توسط هواپیما، راکت و توپخانه‌ی دشمن بمباران شد. با وجود این، مردم مقاوم دزفول دلیرانه در برابر تجاوز دشمن ایستادگی کردند. مردم استان خوزستان و استان‌های مرزی ایلام، کرمانشاه، کردستان، آذربایجان‌های غربی و شرقی و سایر استان‌ها، در طول هشت سال دفاع مقدس، با رشادت و ایثار از خاک میهن اسلامی حفاظت کردند.

علاوه بر این، عراق در جنگ روانی، با طرح شایعه‌ی استفاده از سلاح‌های شیمیایی در شهرهای بزرگ ایران، می‌کوشید تا هسته‌ی مرکزی دفاعی و قدرت جمهوری اسلامی ایران را که حمایت‌های مردمی بود، کاهش دهد.

در طول مدت جنگ شهرها، عراق موشک‌های دوربرد بسیاری به شهرهای ایران پرتاب کرد.^۱ به‌علاوه، استفاده از گازهای شیمیایی در جبهه‌های جنگ را در پیش گرفت. در چنین شرایطی، آمریکا رسماً به کمک نیروهای صدام آمد. اعزام ناوگان جنگی به خلیج فارس و هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران در تیرماه ۱۳۶۷، از جمله اقدامات ناجوانمردانه‌ی آمریکایی‌ها بود.



دزفول در پی یکی از حملات موشکی

۱- کشورهای غربی و شوروی در تهیه‌ی انواع موشک‌های پیشرفته، به رژیم عراق کمک کردند. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ، سیری در جنگ ایران و عراق، (ج ۵)، ص ۳۷.

شهید علی صیاد شیرازی (۱۳۲۳-۱۳۷۸ ش)



امیر سپهبد علی صیاد شیرازی در سال ۱۳۲۳ در
 کیود گنبد مشهد در خانواده‌ای مذهبی به دنیا آمد. پدرش
 فردی نظامی بود، به همین دلیل از شهری به شهری منتقل
 می‌شد. علی سال ششم متوسطه را در تهران گذراند و در
 ۱۳۴۲ موفق به اخذ دیپلم شد. در سال ۱۳۴۳ در کنکور
 دانشکده‌ی افسری شرکت کرد و پذیرفته شد. او همواره به
 عنوان فردی مذهبی شناخته می‌شد. با اوج‌گیری مبارزات ملت
 مسلمان، علناً به دفاع از انقلاب پرداخت و به همین دلیل،
 دستگیر و زندانی شد. با پیروزی انقلاب، او نیز مانند سایر
 زندانیان آزاد شد. در جریان حوادث کردستان، به غرب کشور

اعزام شد و همراه با سایر فرماندهان سپاه و ارتش، سنجق را از محاصره‌ی ضدانقلاب آزاد کرد.
 علی در سال ۱۳۶۰، به خاطر رشادت‌ها و لیاقت‌های خود، توسط امام خمینی به فرماندهی
 نیروی زمینی منصوب شد. او ضمن هماهنگی با فرماندهان سپاه، در عملیات بسیاری شرکت کرد و
 پیروزی‌های بزرگی را برای ایران اسلامی به ارمغان آورد.

در سال ۱۳۷۸ به درجه‌ی سرلشکری رسید و به فاصله‌ی کوتاهی، توسط یکی از اعضای سازمان
 مجاهدین خلق (منافقین) که در جریان جنگ تحمیلی، ستاد خود را در خاک عراق و تحت حمایت
 صدام حسین ایجاد کرده بودند، ترور شد و در تاریخ ۲۱ فروردین ۱۳۷۸ به شهادت رسید.

قطع نامه‌ی ۵۹۸

در عرصه‌ی سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه‌ی نوپای جمهوری اسلامی با اقدام‌های
 روشنگرانه‌ی خود، به تدریج متجاوز بودن عراق را به دنیا قبولاند. در تیرماه ۱۳۶۷ در قطع‌نامه‌ی ۵۹۸
 سازمان ملل متحد برای نخستین بار پس از ۷ سال از شروع جنگ، دو خواسته‌ی ایران مورد توجه
 قرار گرفت: عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی پس از آتش‌بس و تعیین متجاوز. در نتیجه، ایران
 قطع‌نامه را پذیرفت.

مذاکرات ایران و عراق بین وزرای خارجه‌ی دو کشور شروع شد و قریب دو سال به درازا کشید.
 سرانجام در پی ایستادگی هیئت مذاکره‌کننده‌ی ایرانی در حفظ حقوق ایران در اروندرود، و پافشاری
 بر اجرای قرارداد مرزی سال ۱۹۷۵، مذاکرات با پیروزی ایران به پایان رسید. رئیس‌جمهور عراق
 طی نامه‌ای خطاب به رئیس‌جمهور وقت ایران حجت‌الاسلام والمسلمین آقای هاشمی رفسنجانی، به

اعتبار قرارداد سال ۱۹۷۵ (الجزایر) صحنه گذاشت و خط تالوگ در اروندرود، به‌عنوان مرز آبی دو کشور تثبیت شد؛ درحالی که هدف اصلی عراق در حمله به ایران، به‌هم زدن این قرارداد و تصرف کل اروندرود بود.^۱ و این اولین بار در تاریخ ۲۰۰ ساله‌ی اخیر ایران بود که به‌دنبال جنگ با کشوری خارجی، حتی یک وجب از خاک ایران جدا نشد.^۲

ارتحال امام‌خمینی و رهبری آیت‌الله خامنه‌ای

روح بلند بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام‌خمینی، در شب چهاردهم خردادماه سال ۱۳۶۸ به ملکوت اعلا پیوست. امام‌خمینی که در دوران حیات خود بزرگ‌ترین انقلاب تاریخ معاصر را رهبری کرد و پرچم هویت، عزت و بیداری اسلامی را در جهان اسلام برافراشت، با رحلت خود انقلابی دیگر برپا کرد؛ میلیون‌ها دل بی‌قرار بر پیکر پاک او گرد آمدند^۳ و صدها میلیون نفر در سراسر جهان در غم او عزادار شدند.

بلافاصله پس از اعلام مصیبت ارتحال بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، مجلس خبرگان رهبری^۴ اجلاسی فوق‌العاده تشکیل داد و حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را به رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران برگزید.

۱- جهت آگاهی بیش‌تر ن. ک: ولایتی، تاریخ سیاسی جنگ تحمیلی عراق علیه ایران.

۲- در ابتدای حکومت قاجار، وسعت ایران قریب دو میلیون و شصصد هزار کیلومتر مربع بود که تا زمان انقلاب اسلامی قریب یک میلیون کیلومتر مربع از آن جدا شده بود. بخش مهمی از آن به‌دلیل جنگ‌های زمان قاجار و بخش‌های دیگری نظیر بحرین، آرات و اروندرود، زمان حکومت سلسله‌ی پهلوی، به‌دلیل وابستگی آن‌ها به استعمار، به دستور دولت انگلیس از ایران جدا شد و به حکومت‌های وابسته به بریتانیا واگذار شدند. کسانی که از طولانی شدن جنگ به‌دلیل خودداری ایران از قبول صلح تحمیلی انتقاد می‌کنند، از این نکته غفلت دارند که تمام قطع‌نامه‌های قبلی سازمان ملل به‌دلیل نفوذ حامیان صدام در شورای امنیت سازمان ملل که تحریک‌کنندگان او برای حمله به ایران به قصد نهایی ساقط کردن حکومت انقلابی و یا تجزیه‌ی ایران بودند، ناقص و علیه منافع ایران بود، زیرا در هیچ کدام عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر پیش‌بینی نشده بود و بعد از بازگیری خرمشهر از نیروهای عراقی، هنوز هزاران کیلومتر از خاک و وطن عزیز ما در اشغال عراقی‌ها بود. اگر ایران فقط آتش‌بس را می‌پذیرفت و جنگ متوقف می‌شد، اغلب نیروهای مدافع مرزهای ایران زمین، از داوطلبان غیرنظامی بودند که در آن صورت به خانه‌های خود برمی‌گشتند. درحالی که نیروهای جنگی عراق همگی نظامیان رسمی بودند که عراق با پول کشورهای غربی و اسلحه‌ی کشورهای غربی و شرقی ۱۲ لشکر خود را در طول جنگ به ۴۰ لشکر رسانیده بود و اگر جبهه‌ها سرد می‌شد، اهرمی در دست مذاکره‌کنندگان ما نبود تا نیروهای عراقی را که با خیال راحت در خاک ایران مستقر شده بودند، وادار به عقب‌نشینی کند و حتی ممکن بود حملات را ادامه دهند و بخش‌های بیش‌تری را تصرف کنند. تجربه‌ی تاریخی ما در جنگ‌های ایران و روس نشان می‌دهد، بسیج کردن مجدد مردمی که یک بار به جبهه آمدند و با وعده‌های حل و فصل سیاسی مسائل مورد اختلاف، به خانه‌های خود برگشته بودند، کار مشکلی است.

۳- در مراسم ارتحال حضرت امام‌خمینی (ره) بالغ بر ده میلیون نفر شرکت کردند. کوثر، ص ۵۳.

۴- نمایندگان مجلس خبرگان رهبری هر هشت سال یک بار توسط مردم انتخاب می‌شوند.

شایستگی علمی^۱ و مراتب تقوای آیت‌الله خامنه‌ای، سابقه‌ی طولانی متابعت و همراهی ایشان با امام‌خمينی از آغاز نهضت و توانمندی‌های مدیریتی ایشان که در جریان تصدی دو دوره ریاست جمهوری در دورانی سخت و طوفانی پس از انقلاب، به اثبات رسیده بود، موجب شد نام هیچ‌کس دیگری در مباحثات مجلس خبرگان رهبری مطرح نشود. از این‌رو، جامعیت و کفایت ایشان مورد تأیید خبرگان ملت ایران قرار گرفت.

این انتخاب سریع و قاطع با توجه به شناخت عمومی مردم ایران از کفایت و شایستگی ایشان، هم‌چنین باعث شد که نگرانی مردم ایران و سایر علاقه‌مندان به انقلاب اسلامی در سراسر جهان از فقدان امام‌خمينی، برطرف شود و نسبت به استمرار قدرتمندانه‌ی نظام جمهوری اسلامی، آرامش و اعتماد عمومی حاصل گردد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در اولین پیام‌ها و بیانات خود اعلام نمودند که هدف و راه امام‌خمينی را به دقت دنبال خواهیم کرد.^۲ به این ترتیب، مردم ایران که به رهبری امام، انقلاب اسلامی را شکل داده و با همه‌ی وجود از آن حراست کرده بودند، پس از رحلت امام با بیعت با آیت‌الله خامنه‌ای، بر استمرار و ادامه‌ی آن عملاً تأکید کردند.

۱- جامعه‌ی مدرسین که معتبرترین مجموعه‌ی علمی-دینی-سیاسی حوزه‌های علمیه‌ی جهان تشیع است و نقش اساسی در حمایت از انقلاب اسلامی به رهبری امام‌خمينی داشته است، پس از رحلت آیت‌الله اراکی، آیت‌الله خامنه‌ای را به‌عنوان یکی از مراجع تقلید معرفی کرد.
۲- برای اطلاع بیشتر در این باره ن. ک: حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای رهبر معظم انقلاب اسلامی، ج ۲، ص ۲۱.

پرسش‌های نمونه

- ۱- چرا در ابتدای جنگ، ارتش صدام به پیشرفت‌های سریع در خاک ایران موفق شد؟
- ۲- نتیجه‌ی پیروزی‌های بی‌دری ایران در جبهه‌های جنگ چه بود؟
- ۳- صدام حسین چه موقع ندای صلح‌خواهی سرداد؟
- ۴- چرا در ابتدا ایران آتش‌بس را نمی‌پذیرفت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- در مورد قرارداد الجزایر مطلبی تهیه کنید.
- ۲- خاطراتی از رشادت‌های رزمندگان در جبهه‌های جنگ گردآوری و در کلاس بیان کنید.

آرمان‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی

در این درس به‌طور خلاصه با آرمان‌ها، هدف‌ها، آثار و گوشه‌ای از نتیجه‌های انقلاب اسلامی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی، آشنا می‌شوید.

آرمان‌ها و هدف‌های انقلاب اسلامی

هر انقلابی آرمان‌ها و اهدافی دارد که کلیه فعالیت‌ها، مبارزه‌ها و ایثارگری‌های دوران قیام، به‌خاطر تحقق آن‌ها شکل می‌گیرد و این تلاش‌ها با هدف حفظ آن آرمان‌ها و ارزش‌ها، پس از پیروزی نیز ادامه می‌یابد. همان‌گونه که در درس‌های قبل خواندید، هدف‌های اصلی و عمده‌ی انقلاب، «استقلال»، «آزادی» و «جمهوری اسلامی» بود که به‌عنوان محوری‌ترین شعار دوران مبارزه، توسط توده‌های میلیونی مردم مطرح می‌شد. به این ترتیب، هدف‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

الف. استقلال

استقلال، نخستین آرمان انقلاب اسلامی محسوب می‌شود که یکی از آرزوهای دیرین مردم ما در طول تاریخ، خاصه دو سده‌ی اخیر بود. تجربه‌ی تاریخی ایران و سایر جامعه‌هایی که روزگاری زیر سلطه و استعمار قدرت‌های بیگانه بوده‌اند، نشان می‌دهد، هیچ کشوری تا خود را از بند اسارت و سلطه‌ی بیگانگان نجات ندهد، به سعادت، تعالی و اقتدار نخواهد رسید.

استقلال ابعاد متفاوتی دارد؛ مانند استقلال فکری، سیاسی و اقتصادی.

۱- **استقلال فکری**: استقلال فکری در هر کشور زمانی حاصل می‌شود که مردم باور کنند، بیگانگان بر آنان برتری ذاتی ندارند و آن‌ها نیز با همت و پشتکار خود می‌توانند به سازندگی، پیشرفت، نوآوری و تعالی برسند. شرط تحقق استقلال فکری و فرهنگی ملت ایران، ایجاد نوعی تحول عمیق اندیشه‌ای و اعتقادی در آنان، و بازگشت به فرهنگ غنی اسلام و ایران است.

امام خمینی در اهمیت استقلال فکری گفته است: «استقلال فکری، شرط اول استقلال است»^۱.



۲- **استقلال سیاسی**: استقلال سیاسی هر کشور که از جایگاهی بسیار مهم برخوردار است، به این معنی است که مدیران، مسئولان و سران کشور، در تعیین خط‌مشی و اجرای برنامه‌های کشور، تابع دستور بیگانگان و مداخله‌ی آن‌ها نباشند.

۳- **استقلال اقتصادی**: به معنای نداشتن وابستگی در ابعاد گوناگون اقتصادی است. کشوری به استقلال اقتصادی می‌رسد که برای تأمین نیازهای اساسی جامعه‌اش، به دیگران وابسته نباشد. البته بدیهی است که هر کشور، در زمینه‌های گوناگون، به محصول‌های سایر کشورها نیاز دارد. بنابراین مبادله‌ی اقتصادی میان کشورها، به معنی فقدان استقلال اقتصادی نیست.

استقلال در همه‌ی ابعاد آن، یکی از اساسی‌ترین شعارها و خواسته‌های مردم ایران قبل از پیروزی انقلاب بود و از آرمان‌های اصلی و مهم آن به‌شمار می‌رفت.

فکر کنید و پاسخ دهید:

چرا امام خمینی استقلال فکری را شرط اول استقلال مملکت معرفی کرده است؟

بیش تر بدانید

خانم اسکاج پُل که یکی از نظریه‌پردازان معروف مقایسه‌ی انقلاب‌ها در روزگار ماست، در چارچوب مقایسه‌ای انقلاب‌های جهان می‌نویسد: «شاه ایران یک پادشاه مستبد بود و از دیگر پادشاهان رژیم‌های فرانسه، روسیه و چین قبل از وقوع انقلاب در این کشورها بسیار قدرتمندتر بود، زیرا او ارتشی کاملاً مدرن و نوعی پلیس مخفی بی‌رحم و همه‌جا حاضر در اختیار داشت. براندازی چنین حاکمیتی که حمایت قدرت‌های استعماری جهان را نیز به همراه داشت، کار مشکل و سختی بود. از این رو، اهمیت و ارزش انقلاب اسلامی ایران در مقایسه با سایر انقلاب‌های بزرگ جهان نظیر فرانسه، روسیه و چین، کاملاً آشکار می‌شود. این عظمت را باید در قدرت رهبری انقلاب (امام خمینی)، ایدئولوژی انقلاب و مردم مسلمان ایران جست‌وجو کرد»^۱.

ب. آزادی

استعدادهای نهفته در وجود انسان‌ها، در پرتو آزادی شکوفا می‌شود. آزادی و آزادگی، از آرمان‌های اصلی انقلاب اسلامی است. این اصل، ریشه در تعلیم‌های اسلام دارد. حضرت علی (ع) در نامه‌ای به فرزندش امام حسن (ع) نوشته است: «هرگز برده‌ی دیگری مباش، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است»^۲.

نیاز به توضیح نیست که آزادی به مفهوم مطلق آن، نفی‌کننده‌ی برخی آزادی‌های اصیل فردی و اجتماعی دیگران و خود است؛ زیرا رهایی از هر گونه قید و بند و انجام اعمال خودسرانه، هرگز با منطق و عقل سازگار نیست و عملاً، نتیجه‌ای جز سلب آزادی دیگران و بازداشتن انسان از رسیدن به تعالی و کمال ندارد.

واژه‌ی آزادی، همواره در کنار قانون و معنویت مفهوم و معنی می‌یابد. این نوع آزادی، مطابق عقل و فطرت الهی همه‌ی انسان‌هاست. بنابراین، حکومتی که قانون‌های آن از دستورهای الهی سرچشمه گرفته باشند، تأمین‌کننده‌ی آزادی و آزادگی به مفهوم حقیقی آن است. در چنین نظامی، آزادی به حفظ مصلحت‌ها و منافع همگانی و رشد معنوی جامعه منجر می‌شود.

شعار محوری «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» که آرمان بنیادی انقلاب اسلامی است، «آزادی» را در کنار «استقلال» و «جمهوری اسلامی» قرار داده است. این به معنای آن است که مردم ایران،

۱- اسکاج پُل، حکومت تحصیل‌دار و اسلام شیعه در انقلاب ایران، ص ۱۹۱؛ به نقل از: رهیافت‌های نظری بر انقلاب اسلامی،

ص ۱۸۶.

۲- نهج البلاغه، نامه‌ی ۳.

خواهان آزادی در راستای تأمین استقلال و مطابق با قوانین متعالی و نجات بخش اسلام هستند.

ج. جمهوری اسلامی

یکی از رکن‌های مهم آرمانی انقلاب مردم ایران، «جمهوری اسلامی» است. جمهوری اسلامی از دو واژه «جمهوری» و «اسلامی» تشکیل شده است. جمهوری اسلامی یا حکومت «مردم‌سالاری دینی»، به آرای مردم و حاکمیت قانون‌های متعالی اسلام متکی است. امام خمینی در این باره گفته است: «ماهیت حکومت جمهوری اسلامی این است که با شرایطی که اسلام برای حکومت قرار داده، با اتکا به آرای عمومی ملت، حکومت تشکیل شده و مجری احکام اسلام باشد.»^۱ مطابق تعالیم اصیل شیعی، ولایت فقیه به عنوان هسته‌ی مرکزی و جوهر وجودی نظام جمهوری اسلامی، دارای مشروعیت الهی است که با مقبولیت مردمی تحقق و عینیت می‌یابد.

بدیهی است که آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران، دامنه‌ای گسترده دارد. برپایی عدل و عدالت اجتماعی، دوری از هر گونه تبعیض و نابرابری، نفی ظلم و استبداد و ستم، قانون‌گرایی، توجه به مردم به ویژه محرومان جامعه، مبارزه با مفاسد اقتصادی و اجتماعی و مانند این‌ها، در زمره‌ی هدف‌های این انقلاب قرار دارند.

دستاوردهای انقلاب اسلامی

انقلاب اسلامی با گذر از بحران‌های سالیان اولیه‌ی پس از پیروزی، دچار جنگی ناخواسته و تحمیلی شد که به مدت هشت سال، مردم و مسئولان و بیش‌تر امکانات کشور را به خود مشغول کرد. اگرچه تجربه و دستاوردهای دفاع مقدس نیز به نوبه‌ی خود بسیار ارزنده و کم‌نظیر است، اما علاوه بر آن، انقلاب اسلامی در مدت زمانی که از عمر آن می‌گذرد، آثار و نتیجه‌هایی عظیم و در مواردی شگفتی‌آور به همراه داشته است. این دستاوردها در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی قابل بررسی هستند:

الف. ابعاد سیاسی

اولین نتیجه‌ی انقلاب اسلامی در داخل کشور، تغییر رژیم وابسته و خودکامه‌ی شاهنشاهی و استقرار نظام جمهوری اسلامی مبتنی بر آرا و خواست‌های مردم به جای آن بود. دستاورد دیگر انقلاب، تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی است که ثمره‌ی دو قرن مبارزه‌ی بی‌گیر مردم مسلمان ایران علیه استبداد داخلی و استعمار خارجی است و میثاق ملی کشور محسوب می‌شود. از مهم‌ترین اصل‌های قانون اساسی، اصل «ولایت فقیه» است. این اصل مترقی، ضامن حفظ تمامیت ارضی، حراست از

۱- آیین انقلاب اسلامی، ص ۱۴۲.

ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب و منافع ملی مردم ایران و مانع مهمی در جلوگیری از بازگشت دیکتاتوری و نفوذ بیگانه به‌شمار می‌رود.

افزایش مشارکت مردمی در امر حکومت، از دیگر دستاوردهای انقلاب است. مهم‌ترین شاخصه‌ی رسمی و قانونی مشارکت سیاسی مردم، حضور آنان در «انتخابات» گوناگون، مثل: انتخابات ریاست جمهوری، خبرگان رهبری، نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی شهرها و روستاها است که نظیر آن را به ندرت می‌توان در دیگر انقلاب‌های جهان مشاهده کرد.



استقلال سیاسی و کوتاه شدن دست ابرقدرت‌ها و هزار فامیل‌ها از مقدرات کشور، از دیگر دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی ایران است. همان‌طور که در درس‌های گذشته مطالعه کردید، انقلاب اسلامی ایران، برخلاف بسیاری از انقلاب‌های معاصر که با حمایت یکی از قدرت‌های شرق و غرب شکل گرفتند، تنها با اتکا به قدرت الهی و حمایت و پشتیبانی مردم، توانست استقلال سیاسی و حاکمیت ملی خود را به‌دست آورد. این موضوع به قدری افتخارآفرین و غرورآمیز است که بسیاری از اندیشمندان جهان، آن را از شاخصه‌های بی‌همتای نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند. انقلاب

اسلامی که خارج از دایره‌ی نفوذ بلوک‌های غرب و شرق به پیروزی رسید، خود به یک قطب در جهان اسلام مبدل شد. کشوری که در گذشته، دست‌نشانده و تابع قدرت‌های غربی بود، امروز در جهان سیاست، به‌عنوان قدرتی مستقل و تأثیرگذار مطرح است.

مقاومت مردم ایران در برابر انواع توطئه‌های خارجی و عوامل داخلی استکبار جهانی، اُبَهِت قدرت‌های غرب و شرق و سایر قدرت‌های سلطه‌گر بیگانه را درهم شکست. این مقاومت و تحول شگرف که در تاریخ ایران بی‌سابقه است، معلول تحول سیاسی جامعه‌ی ما و برخورداری از روحیه‌ی تسلیم‌ناپذیری و شهادت‌طلبی مردم ایران است.^۱

نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی که از ارکان سیاست خارجی است، از دستاوردهای مهم سیاسی انقلاب اسلامی است. در تاریخ معاصر ایران، کشور ما تا قبل از انقلاب، همواره تحت نفوذ و سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ استعماری و بیگانه (روس، انگلیس و آمریکا) بوده است.

علاوه بر آن، حفظ استقلال همه‌جانبه‌ی کشور و برقراری روابط صلح‌آمیز با دیگر کشورها، به جز کشورهای متخاصم و محارب، از دستاوردهای سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب به‌شمار می‌رود. از نمودهای عینی این سیاست، قطع رابطه‌ی سریع با رژیم اشغالگر قدس و رژیم آپارتاید در آفریقای جنوبی بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی، ملت‌های محروم جهان، برای رهایی از چنگال حکومت‌های مستبد و وابسته به ابرقدرت‌ها، با الگو قرار دادن هدف‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی، حرکت‌های رهایی‌بخشی را آغاز کردند. اوج این مبارزه‌ها، در کشورهای مسلمان منطقه‌ی خاورمیانه بود.

انقلاب اسلامی در خارج از مرزهای جغرافیایی خود، دریچه‌های امید را به روی میلیون‌ها انسان مسلمان و مستضعف در سراسر جهان گشود. حمایت بی‌دریغ مردم مسلمان ایران از مبارزان فلسطینی، به پیدایش نوعی رستاخیز اسلامی در مناطق اشغالی فلسطین، تحت عنوان انتفاضه، انجامید. جنبش رهایی‌بخش فلسطین که از طرح‌های سازشکارانه، قوم‌گرایی و ملی‌گرایی، به بن‌بست رسیده بود، با الگو قرار دادن آرمان‌ها و شیوه‌های انقلاب اسلامی، به پیروزی‌های بزرگی دست یافت.

به‌طور کلی، دستاوردهای سیاسی انقلاب اسلامی را می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- ۱- تغییر رژیم وابسته و خودکامه‌ی شاهنشاهی و رفع استعمار و استبداد از ملت ایران.
- ۲- استقرار نظام جمهوری اسلامی (تحقق خواسته‌ی مردم ایران مبنی بر شکل‌گیری نظام حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه و نقش تعیین‌کننده‌ی مردم در سرنوشت خویش).

بیش تر بدانید

«میشل فوکو»^۱، از نظریه پردازان بزرگ معاصر غربی، معتقد است: «انقلاب اسلامی ایران نخستین انقلاب «فرامردن» عصر حاضر است که برخلاف بسیاری از انقلاب‌های جهان، با انگیزه‌های اقتصادی و مادی صورت نگرفته است.»^۲ او در کتاب «ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند»، می‌نویسد: «شخصیت آیت‌الله خمینی پهلوی به افسانه می‌زند. هیچ رئیس دولت و رهبر سیاسی حتی به پشتیبانی همه‌ی رسانه‌های کشورش، نمی‌تواند ادعا کند مردمش با او چنین پیوند نیرومندی دارند... ایرانیان با انقلاب اسلامی، قبل از هر چیز خود را هدف قرار داده بودند. آنان راه اصلاح جامعه را در اسلام یافتند. اسلام برای آنان هم دوی درد فردی و هم درمان بیماری‌ها و نواقص اجتماعی بود.»^۳

۳- تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.

۴- استقلال سیاسی.

۵- پیوند دین و سیاست و ارائه‌ی الگویی نوین برای مردم‌سالاری دینی.

۶- رشد سیاسی و آگاهی‌های عمومی مردم و حضور مردم در صحنه‌های گوناگون.

۷- شکست اُبَهِت قدرت‌های غرب و شرق و قدرت‌های سلطه‌گر خارجی.

۸- عدم سلطه‌پذیری (از قدرت‌های شرق و غرب) و نفی هرگونه سلطه‌جویی نسبت به سایر

کشورها.

۹- ترسیم چهره‌ی صلح‌طلبانه‌ی از اسلام با اثبات مظلومیت مردم ایران در جریان جنگ تحمیلی

و سایر تهاجمات، با طرح تشنج‌زدایی در سطح دولت‌ها.

ب. ابعاد فرهنگی

برای رسیدن به درکی واقع‌بینانه از ابعاد فرهنگی انقلاب اسلامی، یادآوری وضعیت فرهنگی دوران قبل از انقلاب، ضروری به‌نظر می‌رسد. همان‌گونه که در درس‌های قبل مطالعه کردید، یکی از شاخصه‌های فرهنگی حاکمیت استبداد دوران پهلوی، تخریب سنت‌های اصیل دینی و ملی مردم مسلمان ایران بود. این سیاست، به بهانه‌ی تجددخواهی و نوگرایی، با ترویج فرهنگ مبتذل غربی، بسیاری از مظاهر فرهنگ ملی را که نشانه‌ی هویت تاریخی مردم مسلمان ایران بود، از میان برد.

رواج فرهنگ ابتدال، لاًبالی‌گری و بی‌بندوباری‌های اخلاقی و اقتصادی که به‌طور رسمی و

۱- Micheal Foucault

۲- فوکو، رهبر اسطوره‌ای قیام ایران، ص ۷۴، به نقل از: جرعه‌ی جاری، ص ۸۹ و ۹۰.

۳- فوکو، ایرانی‌ها چه رؤیایی در سر دارند، ص ۶۴.

آشکارا توسط سینما، رادیو، تلویزیون و سایر رسانه‌های عمومی نظیر مطبوعات تبلیغ می‌شد، نهادهای فرهنگی و اجتماعی را به تباهی و نابودی سوق داده بود و هویت اسلامی و ایرانی جامعه را رو به نابودی می‌برد. فسادهای گسترده در جامعه‌ی ایران قبل از انقلاب، به صورت یک «ارزش» درآمد بود و رژیم پهلوی، آشکارا به ترغیب و تبلیغ آن‌ها می‌پرداخت. برپایی نمایش‌های مبتذل تحت عنوان جشن هنر، تشکیل مجلس‌های فساد در دربار و توزیع انواع مواد مخدر در کشور توسط اشرف پهلوی -خواهر شاه - و سایر عوامل وابسته به رژیم، تنها گوشه‌ای از سیاست رواج رسمی فساد و فرهنگ ابتذال آن دوران به‌شمار می‌رود^۱. اما آنچه که در دوران حکومت پهلوی بیش از هر چیز ایرانیان را رنج می‌داد، ستایش و ترویج فرهنگ بیگانه و تحقیر فرهنگ «خودی» بود. این سیاست که ریشه در خودباختگی و بی‌ریشگی رژیم حاکم بر کشور داشت، منزلت و شأن تاریخی مردم ایران را خدشه‌دار کرده و کرامت انسانی آنان را از بین برده بود. سیاست‌های ضداسلامی، از جمله تأکید بر «جدایی دین از سیاست» و به حاشیه راندن تعالیم و دستورهای دینی، عامل‌هایی بودند که سرانجام مردم مسلمان ایران را به رویارویی با حاکمیت و سرنگونی آن کشاندند. با این مقدمه، برخی از دستاوردهای «فرهنگی» انقلاب اسلامی ایران را می‌آوریم:

انقلاب اسلامی، با زدودن زنگارها و اوهام از چهره‌ی دین، به احیای فرهنگ اسلامی به‌عنوان مکتبی پویا و حیات‌بخش پرداخت. زنده کردن دوباره‌ی تعالیم اسلام که راز استقلال، همبستگی و هویت فرهنگی مردم مسلمان ایران است، احساس خودباوری، اعتماد و اتکا به خود را در جامعه زنده کرد و توانست، از ادامه یافتن احساس حقارت و خودباختگی مردم ایران در برابر بیگانگان، جلوگیری کند. خودآگاهی فرهنگی و پیدایش روحیه‌ی اعتماد به نفس، پس از سال‌های طولانی تحمیل سرخوردگی و تحقیر از درون و بیرون، انقلابی در فرهنگ جامعه‌ی ایران به‌شمار می‌رود. مردم کشور ما پس از انقلاب با تکیه بر تعالیم حیات‌بخش اسلام، مکتب اهل بیت(ع)، میراث عظیم فرهنگ ایران زمین، توکل بر خدا و اعتماد به نفس، توانستند با بهره‌گیری از نیروهای درونی و استعدادهای سرشار خود، به موفقیت‌هایی چشم‌گیر در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی دست یابند. علاوه بر این، انقلاب اسلامی با هدف پاکسازی جامعه از آلودگی‌های فرهنگی و اجتماعی، اقدام به بستن کانون‌های فساد و زشت‌کاری، و مبارزه با ترویج مادیگری و مظاهر فرهنگ غربی کرد.

یکی از نتیجه‌ها و دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی ایران، افزایش سطح آگاهی عمومی، افزایش و رشد مطبوعات و نشریات، گسترش کانون‌های آموزشی و تربیتی درون کشور و درخشش و

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک. فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی؛ انصاری، من و خاندان پهلوی.

تعالی آثار هنری و فرهنگی ایران در سطح جهان است. انقلاب اسلامی هم‌چنین موفق شد شخصیت اصیل زن ایرانی را که در رژیم گذشته تحت تأثیر فرهنگ منحط غربی، هویت خود را از دست داده بود، احیا کند. حضور گسترده‌ی زنان در جامعه‌ی پس از انقلاب اسلامی در صحنه‌های گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، بیانگر این حقیقت است. یکی از نمودهای بارز این امر، درخشش دختران و زنان در امر آموزش و تحصیل، به ویژه در سطح دانشگاه‌هاست.

احیای تفکر دینی، تحول در ارزش‌ها و نگرش‌ها و هم‌چنین احیای مفاهیمی مانند جهاد و شهادت و ایثار و اخلاص، مردمی شدن قوای مسلح و سازمان‌دهی نیروی بسیج مردمی، هماهنگی بین تعهد و تخصص و دیانت و روشنفکری و همکاری حوزه و دانشگاه، از دیگر دستاوردهای فرهنگی انقلاب اسلامی به‌شمار می‌رود.^۱

ج. ابعاد اقتصادی

اقتصاد ایران در دوران قبل از انقلاب، وابسته و «تک محصولی» بود که بر مبنای فروش مهارگسیخته‌ی نفت در چارچوب معیارهای توسعه‌ی غربی – بدون در نظر گرفتن زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی این کشور – استوار بود. در نتیجه‌ی به‌کارگیری چنین سیاستی، به جای فعالیت‌های زیربنایی و عمرانی و توجه به تولید و صادرات غیرنفتی، دارایی و امکان‌های کشور، عمدتاً صرف برنامه‌های غیربنیادی و غیرمولد می‌شد. اکثر فعالیت‌های اقتصادی مبتنی بر درآمد حاصل از فروش نفت بود که جز وابستگی اقتصادی، نبودن تعادل در بخش‌های گوناگون اقتصادی، و نفی عدالت اجتماعی، نتیجه‌ای در پی نداشت. به‌کار گرفته نشدن درآمدهای سرشار نفتی در تقویت بنیه‌ی اقتصادی کشور – خاصه در دهه‌ی ۱۳۵۰ – ایران را به یکی از عمده‌ترین واردکنندگان کالاهای مصرفی غرب تبدیل کرده بود.

با وجود مشکل‌های بی‌شمار اقتصادی بازمانده از دوران قبل از انقلاب و هم‌چنین، معضله‌های اقتصادی عظیم ناشی از جنگ تحمیلی و کارشکنی‌ها و تحریم‌های اقتصادی، انقلاب توانست از آغاز پیروزی، به تولید بیش‌تر کالاها در داخل و حتی صدور بعضی از آن‌ها به خارج از کشور، نایل آید.^۲ در

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن.ک.: انقلاب اسلامی و چرایی و چگونگی رخداد آن، ص ۱۸۴، حشمت زاده، چارچوبی برای تحلیل و

ساخت انقلاب اسلامی در ایران، ص ۳۷-۳۵۶.

۲- از جمله دستاوردهای علمی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌توان به فولادهای آلپازی، دست‌یابی ایران به انرژی هسته‌ای، تولید محصولات پتروشیمی، تولید ماشین‌آلات صنعتی و خودروهای سبک و سنگین، ساخت کارخانه‌ی ذوب آهن در کشورهای دیگر، پیشرفت شگرف در تخصص‌ها و فوق‌تخصص‌های پزشکی و پیوند اعضا، ترقی علوم پایه (مثل حوزه‌های بیولوژی مولکولی، مهندسی ژنتیک و سلول‌های بنیادی) اشاره کرد.

نتیجه‌ی چنین سیاستی، سهم صادرات غیرنفتی به طرز چشم‌گیر افزایش یافت. با این همه، تا رسیدن به سطح مطلوب، راهی طولانی در پیش است.

توجه به عمران و آبادی روستاها و برخوردار کردن اکثر روستاهای ایران از نعمت آب، برق، مخابرات، مراکزهای آموزشی و بهداشتی، جاده و امکانات رفاهی، از دیگر نتایج اقتصادی انقلاب اسلامی است؛ که در قبل از انقلاب، بیش‌تر آن‌ها، از آن محروم بودند.

یکی دیگر از کوشش‌های مؤثر در زمینه‌ی پیشرفت اقتصاد در دوران پس از انقلاب اسلامی، توجه به صنایع سنگین و اقدام‌های بنیادی و زیربنایی در این زمینه است. توسعه‌ی روزافزون صنعت‌های نفت، پتروشیمی، ذوب آهن، فولاد، برق و هم‌چنین ساخت سدهای بزرگ و گسترش یا نوسازی راه‌های کشور در این دوران، نقشی مهم در رشد و شکوفایی سایر بخش‌های اقتصادی کشور دارد. پیشرفت‌های عظیم در حوزه‌ی فناوری هسته‌ای، بیولوژی مولکولی، سلول‌های بنیادی و صنایع مدرن دفاعی، از دستاوردهای مهم انقلاب به‌شمار می‌روند.

امام خمینی درباره‌ی حفظ دستاوردهای انقلاب گفته است: «به ملت عزیز ایران توصیه می‌کنم که نعمتی که با جهاد عظیم خودتان و خون جوانان برومندان به‌دست آورده‌اید، هم‌چون عزیزترین امور قدرش را بدانید و از آن حفاظت و پاس‌داری نمایید و در راه آن که نعمتی عظیم و الهی و امانت بزرگ خداوندی است، کوشش کنید و از مشکلاتی که در این صراط مستقیم پیش می‌آید، نهراسید که
إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»^۱

بیش‌تر بدانید

گزیده‌ای از زندگی‌نامه‌ی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

حضرت آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای، فرزند آیت‌الله سید جواد حسینی خامنه‌ای، در سال ۱۳۱۸ هجری شمسی در مشهد مقدس دیده به جهان گشود. خانواده‌ی پدری و مادری ایشان از خاندان علم و فقاقت و دانشوری و سیاست بودند. لذا ایشان از اوان کودکی آموزش‌های دینی را آغاز کردند و هم‌زمان با تحصیلات ابتدایی و دبیرستانی، وارد حوزه‌ی علمیه‌ی مشهد شدند و دوره‌ی مقدمات و سطح را در مدتی کوتاه به پایان بردند. ایشان که از شانزده سالگی درس خارج فقه و اصول را در مشهد، نزد مرحوم آیت‌الله میلانی آغاز کرده بودند، با سفر به نجف اشرف و هجرت به قم، از محضر بزرگان و آیات عظام بروجردی، امام خمینی (ره)، حائری یزدی و علامه طباطبایی، در فقه، اصول و علوم عقلی بهره‌مند شدند و در حدود سن ۲۵ سالگی به مقام اجتهاد نائل شدند.

۱- صحیفه‌ی نور، (ج ۲۱)، ص ۱۸۱.

هم‌زمان با آغاز نهضت امام خمینی (سال ۱۳۴۱) در حلقه‌ی یاران نزدیک ایشان قرار گرفتند و در طول شانزده سال مبارزه‌ی سیاسی، یکی از مؤثرترین چهره‌های انقلاب اسلامی بودند. آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۴۳ به دلیل بیماری پدر، به مشهد مراجعه کردند و ضمن تدریس علوم اسلامی، به ترویج نهضت امام خمینی و تألیف و ترجمه پرداختند. نوآوری و ابتکار در آثار و بیانات ایشان، نقش مهمی در جذب و تربیت طلاب و دانشجویان جوان داشت و سخن‌رانی‌های متعدد ایشان در سرتاسر کشور، کانون طرح مباحث بنیادین اندیشه‌ی اسلامی و انقلابی بود. مجاهدت پرفراز و نشیب ایشان در مبارزه با رژیم ستم‌شاهی باعث شد تا در طول دوران نهضت، چندین بار دستگیر شود، به زندان بیفتد و شکنجه شود. ایشان در سال ۱۳۵۶ به ایرانشهر تبعید شدند و در اواسط سال ۱۳۵۷ با اوج‌گیری جریان مردمی انقلاب اسلامی، از تبعیدگاه آزاد شدند، به مشهد بازگشتند و در صف مقدم مبارزه علیه رژیم پهلوی، همراه با دیگر یاران، رهبری مبارزات مردم را برعهده گرفتند.^۱ چندی بعد به دعوت آیت‌الله شهید استاد مطهری، برای شرکت در جلسات شورای انقلاب، عازم تهران شدند.

پس از پیروزی انقلاب

هم‌زمان با عضویت در شورای انقلاب، ابتدا از سوی امام خمینی مأمور رسیدگی به امور دانشجویان شدند. در سال ۱۳۵۸ معاونت وزارت دفاع را برعهده داشتند. مأموریت دیگری که امام به ایشان محول کرد، نمایندگی در امور ارتش بود. هم‌چنین مدتی به عنوان سرپرست سپاه پاسداران انقلاب اسلامی منصوب شدند. در سال ۱۳۵۹ از سوی امام به عنوان امام جمعه‌ی تهران تعیین شدند. ایشان در دوره‌ی اول مجلس شورای اسلامی نیز نمایندگی مردم تهران را برعهده داشتند و پس از تشکیل شورای عالی دفاع، نماینده‌ی امام خمینی در آن شورا بودند. ایشان در عین عهده‌دار بودن مسئولیت‌های حساس و خطیر، با شروع جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، لباس رزم برتن کردند و به طور مستمر در جبهه‌های دفاع مقدس، حضور فعال و مخلصانه داشتند. آن هنگام که دشمنان ملت ایران با هدف ضربه‌زدن به نظام جمهوری اسلامی، به ترور شخصیت‌ها و نیروهای انقلاب پرداختند، آیت‌الله خامنه‌ای جزو اولین اهداف آن‌ها بود. ترور نافرجام ایشان در سال ۱۳۶۰ هنگام سخنرانی در مسجد ابوذر تهران، توسط مجاهدین (منافقین) خلق، به مجروحیت شدید ایشان منجر شد که به طرز معجزه‌آسایی حیات مجدد یافتند و آسیب‌دیدگی دائمی دست ایشان، یکی از نشانه‌های افتخارآمیز جانبازی ایشان در راه انقلاب بود. به دنبال موج ترور شخصیت‌های برجسته‌ی انقلاب اسلامی و شهادت شهیدان دکتر بهشتی، رجایی و باهنر، وظیفه‌ی ایشان برای حضور در عرصه‌ی مدیریت عالی کشور، بیش از پیش سنگین شد و دو دوره‌ی پیاپی، با رأی قاطع مردم ایران به ریاست جمهوری اسلامی ایران برگزیده شدند. شایستگی‌های مدیریتی و اقدامات ایشان در دوران ریاست جمهوری به‌عنوان رئیس‌جمهور، رئیس شورای عالی دفاع و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در طی سال‌های ۶۰ تا ۶۸ که مملو از بحران‌های داخلی و خارجی بود، در تثبیت کامل انقلاب اسلامی و نظام

۱- از دیگر اقدامات مردمی ایشان، مشارکت فعال در سامان‌دهی امدادرسانی به آسیب‌دیدگان از بلایای طبیعی سیل و زلزله‌ی

شهرستان‌های ایرانشهر، طبس، اسفراین، فردوس و ... بود.

جمهوری اسلامی نقش اساسی داشت و نشانه‌هایی از لیاقت رهبری را در ایشان آشکار ساخت. این سوابق اسلامی، انقلابی، سیاسی و مدیریتی موجب شد، پس از ارتحال امام، مجلس خبرگان رهبری، بدون کوچک‌ترین ائتلاف وقت و با رأی قاطع، ایشان را به جانشینی امام خمینی (ره) انتخاب کنند.

از آن زمان تاکنون، کشور ما به دلیل موقعیت بسیار حساس جغرافیایی و سیاسی خود و همچنین به دلیل بیداری فراگیر شده در کل جهان اسلام، هم‌زمان با فروپاشی شوروی (سابق) و تحولات و تلاطم‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، با حوادث بسیار پیچیده و حساسی مواجه بوده است و با درایت و مدیریت هوشمندانه و بسیار ارزشمند ایشان توانسته از همه‌ی این مراحل سخت و مخاطره‌آمیز با موفقیت بگذرد. در حالی که از زمان فروپاشی شوروی و به هم خوردن معادلات جهان دو قطبی، تعدادی از کشورها و پیمان‌های نظامی و سیاسی تغییرات اساسی کرده‌اند و حتی برخی از پیمان‌ها (نظیر ورشو و کمکون) و برخی از کشورها نظیر یوگسلاوی و شوروی، از صحنه‌ی سیاست جهانی حذف شدند. هنجارهای سیاسی تغییر کرده‌اند و سازمان ملل از اعتبار سابق تنزل کرده است و پیمان ناتو و گروه سیاسی «جی ۸» عملاً جایگزین صلح‌بانان سازمان ملل و شورای امنیت شده‌اند. ادامه‌ی حیات سیاسی قدرتمند جمهوری اسلامی ایران در صحنه‌ی بین‌المللی، بدون تردید نتیجه‌ی رهبری توانمند و خردمندانه‌ی آیت‌الله خامنه‌ای است.

مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای نیز همواره مسئولان و قشرهای مختلف مردم را از آفات



و موانع احتمالی انقلاب برحذر داشته‌اند: «میکروب و رجعت یا ارتجاع، دشمن بزرگ هر انقلاب است که به درون جوامع انقلابی نفوذ کرده و در آن رشد می‌یابد. نفوذ فساد و ایجاد تردید در اذهان جوانان نسبت به آرمان‌ها، دنیاطلبی، اشتغال به زینت‌های دنیوی و زندگی راحت در جامعه و بروز علائم زندگی تجملاتی در میان عناصر انقلابی، نشانه‌هایی از تأثیر میکروب ارتجاع و عقب‌گردی است. پرداختن به مال و مال‌اندوزی، دچار شدن به فسادهای اخلاقی - مالی و داخلی که خود فساد بسیار خطرناک است و جاه‌طلبی، کاخ آرمانی انقلاب اسلامی و هر حقیقت دیگری را ویران می‌کند.»^۱

۱- بیانات ایشان در روز سوم شعبان برابر با ۱۵ دی‌ماه ۱۳۷۳: WWW.KHAMENEI.IR

پیش‌نویس چشم‌انداز بیست‌ساله و سیاست‌های کلی نظام که مقام معظم رهبری به قوای سه‌گانه ابلاغ فرمودند، راه آینده‌ی کشور را روشن می‌کند. هدف‌گذاری که در این چشم‌انداز مورد تأکید رهبری نظام قرار گرفته، این است که پس از بیست سال، ایران در حوزه‌های فرهنگی، علمی، فناوری اقتصادی، دفاعی و سیاسی، به قدرت اول منطقه‌ی آسیای جنوب غربی، خاورمیانه، خلیج فارس، قفقاز و آسیای میانه تبدیل شود. به تصدیق همه‌ی صاحب‌نظران بین‌المللی، ایران هم‌اکنون در حوزه‌ی سیاسی و بین‌المللی، به دلیل تأثیر انکارناپذیرش بر کل تحولات منطقه‌ی خاورمیانه شامل عراق، فلسطین، لبنان، افغانستان و آسیای مرکزی و قفقاز به طور خاص و در کل جهان اسلام به طور عام، به مؤثرترین و نفوذترین قدرت منطقه‌ای و جهان اسلام تبدیل شده است.

بیش‌تر بدانید

احیای هویت ایرانی – اسلامی

با آغاز انقلاب اسلامی، هویت ایرانی – اسلامی حیاتی دوباره یافت. و «کیستی» نسل جوان و جامعه‌ی ایرانی را که سال‌ها در پیچ و خم مکاتب مادی، الحادی و استعماری «خفته» بود، «بیدار» کرد. بازگشت به خویشتن، خودباوری و مجد و عظمت ایران اسلامی را به ارمغان آورد. اعتماد به نفس و عزت ملی به ایرانیان نیروی قوی بخشید تا به جای دنباله‌روی و یا تقلید از دیگران به ابتکار و نوآوری روی آورند و پایه‌های مستحکم برای تمدن‌سازی را بی‌ریزی کنند. اکنون با پیشرفت‌های شگفت‌انگیز دانشمندان ایرانی معلوم شده است که ملت‌ی که در گذشته تمدن‌ساز بوده است، می‌تواند با فراهم آوردن شرایط لازم بار دیگر در عرصه‌ی تمدن‌سازی بدرخشد.

پرسش‌های نمونه

- ۱- منظور از استقلال سیاسی، استقلال فکری و استقلال اقتصادی چیست؟
- ۲- انقلاب اسلامی از جنبه‌ی سیاسی در داخل کشور چه دستاوردهایی داشته است؟
- ۳- ولایت فقیه به‌عنوان هسته‌ی مرکزی نظام جمهوری اسلامی چه نوع مشروعیتی دارد؟

اندیشه و جست‌وجو

– مفهوم آزادی در مکتب اسلام و نظام جمهوری را با آزادی در مکتب‌ها و نظام‌های سیاسی غرب مقایسه کنید.